



«معلم بلاگری» از تهدید تا فرصت

درباره فعالیت معلمان در فضای مجازی که برخی ها، آن را مفید و برخی ها مضر می دانند

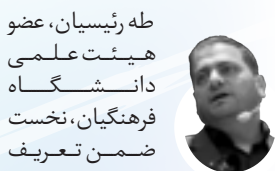
رویداد



مرتضی محمدپور

خیلی وقت است که تدریس با استفاده از ابزارهای جدید همچون فیلم، بازی یا تجربه های عینی، جایگزین روش های قدیمی شده است و معلمان در کلاس های درس تلاش می کنند تجربه تعلیم و یادگیری را برای دانش آموزان، متفاوت و لذت بخش کنند. بر همین اساس، توسعه روزافزون شبکه های اجتماعی فرصتی را فراهم کرده است تا پدیده نسبتاً نو ظهوری به نام «معلم بلاگری» در کشور شکل بگیرد. طبق مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، معلم بلاگر کسی است که با ابزارهای نوین قصد دارد خدمات، دستاوردها، مطالعات و هر آنچه تولید می کند، از طریق زاویه دید خود بروز دهد و به عرصه نمایش بگذارد. حتماً برای شما هم پیش آمده است که در مرورگر اینستاگرام یا نرم افزارهای ارتباطی دیگر، با محتوای مجازی تولید شده توسط معلمان و دبیران مواجه شده باشید. این ها قطعات تصویری کوتاهی هستند که یک معلم در جریان حضور در کلاس درس و تعامل با دانش آموزان منتشر می کند و به زبان طنز یا با استفاده از ابزارهای هنری دیگر، پیامی را به مخاطب می رساند اما ما جریه همین جا ختم نمی شود و برخی مصداق اخیر ثابت کرده است که باید این حوزه فعالیت نیز در چارچوب ضوابط و هماهنگی با رسالت های آموزشی معلمان باشد. آنچه در ادامه می خوانید، نظر برخی کارشناسان و صاحب نظران درباره این پدیده است که برای بررسی تهدیدها و فرصت های معلم بلاگری، درنخستی به میزبانی جهاد دانشگاهی در مشهد گرد هم جمع شدند.

قضاوت منصفانه معلم بلاگری



طه رئیسپان، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، نخست ضمن تعریف روشنی از معلم بلاگرها، ویژگی های مشترک در آن ها را شرح داد و گفت: معلم بلاگرها به دلیل ضرورت جذب مخاطب در صفحات مجازی، نیازمند تولید محتوای منظم هستند و به همین دلیل، اولین شرط معلم بلاگری، تعهد به حرفه است. پس از آن، فعالان این عرصه باید به طور مستمر به تلفیق دانش و تجربه بپردازند تا بتوانند نتایج خشک پژوهش های کارشناسانه را با ابزارهای منطقی و جذاب آموزش، ترکیب کنند.

«معلم بلاگری بهترین راهکار برای ایجاد فرصت های برابر آموزشی است؛ زیرا همان محتوایی که به فرزندان خانواده های ثروتمند و مرفه ارائه می شود، به طور مساوی در اختیار دانش آموزان مناطق محروم هم قرار می گیرد». رئیسپان با بیان این مطلب، بیان کرد: نگاه یک جانبه به پدیده معلم بلاگری، هیچ مشکلی را حل نمی کند. نمی شود از یک طرف آن را شر مطلق و نماد نقض حریم خصوصی و ایجاد فشار روانی بر دانش آموز دانست و از سوی دیگر، آن را خیر مطلق و نماد آموزش نوین و مؤثر قلمداد کرد. باید فرصت ها و چالش های آن را به صورت بی طرفانه و منصفانه بررسی کرد تا در انتها، قانون حد و حریم آن را تعیین کنند.

به گفته وی، معلم بلاگری در کشور ما اگرچیک پدیده جدید محسوب می شود، در کشورهای توسعه یافته سال ها است که به شیوه ضابطه مند در جریان است.

عباس عنوانی، مدیر حقوقی اداره آموزش و پرورش خراسان رضوی، نگاه متفاوتی به موضوع معلم بلاگرها داشت. وی اگرچه اعتقاد داشت که در حال حاضر قانون مشخصی در مورد معلم بلاگرها وجود ندارد، تأکید کرد که رویکرد حاکم بر محافل حقوقی و فضای ذهنی قانون گذاران این عرصه، متمرکز بر این موضوع است که تا حد امکان از جرم انگاری پرهیز شود و در این شرایط، تا زمانی که جلسات هم اندیشی و پیش نشست های تخصصی با محوریت گفت و گو و تبادل نظر در این باره ختم به نتایج ملموس نشود، نمی توان انتظار تعیین تکلیف قانونی معلم بلاگرها را داشت.

وی افزود: اگرچه به جز آیین نامه های اجرایی مدارس، قانون حفظ حریم شخصی و اجتماعی دانش آموزان، قوانین حمایت از کودکان و برخی مصوبات پراکنده شورا های عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی، مبنای حقوقی مشخصی در این باره وجود ندارد. اصول و قوانینی در حوزه حمایت از کودکان و نوجوان وجود دارد که در هر موضوع، مبنای موضع گیری حقوق دانان است و اگر فعالیت بلاگری معلمان، ناقض این قوانین باشد، آن گاه ضابطان قضایی، حجت کافی برای برخورد را پیدا خواهند کرد.

به گفته مدیر حقوقی اداره آموزش و پرورش خراسان رضوی، در حوزه فعالیت معلم بلاگرها، سه

معلم بلاگری از منظر قانون

اصل اساسی مرجع نظر است؛ یکی اینکه دانش آموز مورد استفاده ابزاری قرار نگیرد. دوم اینکه بلاگری برای معلم، زمینه سود اقتصادی را فراهم نکند و سوم اینکه فعالیت در فضای مجازی به وظایف و تکالیف آموزشی معلم، خدش های وارد نکند. وی ادامه داد: بنا بر نص صریح قوانین، کودک به کسی اطلاق می شود که صغیر، طفل و نابالغ باشد، بنابراین سن بلوغ، معیار تصمیم است و قانون در قبال دختران کمتر از نه سال و پسران کمتر از پانزده سال که قول و فعل آن ها مرجعیت ندارد، به طور مطلق حاکمیت پیدا می کند. در قبال دختران و پسران تا هجده سالگی هم مفهوم نوجوان نسبت پیدا می کند که در هر حال، قانون حمایت از کودک و نوجوان برای این ها صادق خواهد بود.

«تخلف اداری، مسئولیت مدنی و ماهیت جزایی، سه ساحت حقوقی در قبال فعالیت معلم بلاگرهاست». عنوانی با بیان این مطلب افزود: فعلاً تا زمانی که قانون مشخصی در این باره نباشد، می توان فعالیت بلاگری را در سه سطح بررسی کرد: اولاً از نظر تخلف اداری که بنا بر مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، اگر معلمی اقدام به انتشار اطلاعات شخصی دانش آموزان برخلاف شئون تعلیم و تربیت کند، تخلف اومی تواند گستره سلبی وسیعی از توبیخ کتبی تا اخراج کتبی را دربر بگیرد؛ زیرا نظر قانون گذار ناظر بر صیانت از اطلاعات شخصی افراد در برابر نهاد های دولتی و غیردولتی و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی است و غیر از این هرچه باشد، خلاف قانون،

نقطه امید معلم بلاگری

و مثبتش درباره فعالیت معلمان را تشریح و بیان کرد: به طور کلی، دو نوع معلم بلاگر وجود دارد؛ یک دسته آن هایی هستند که به صورت خود جوش و بی توجه به قانون در هر زمینه مرتبط و نامرتبطی تولید محتوا می کنند و دوم، معلم بلاگرهایی هستند که فعالیت مجازی آن ها متمرکز بر ارتقای سطح آموزش است. در این شرایط، چرا باید با آن هایی که قادر به خلق موقعیت های جذاب آموزشی هستند، برخورد سلبی شود؟

به گفته حسینی، آموزش خلاق یکی از میانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است و همان طور که تعلیم به همراه بازی، امروزه بهترین راه انتقال مفاهیم

به کودکان محسوب می شود، می توان از ظرفیت معلم بلاگرها برای القای حس ارزشمندی به کودکان و آموزش آسان، تفریحی، منطقی و همراه با بازی استفاده کرد.

حسینی افزود: یکی از مشکلات مرسوم در آموزش، نبود تمرکز در دانش آموز حتی دانشجویست. معلم بلاگرها می توانند بر اساس ظرفیت هایی که در تولید محتوای جذاب بر بستر فضای مجازی و شبکه های اجتماعی وجود دارد، تجربه یادگیری غوطه ور در اوج تمرکز را برای مخاطب خود ایجاد کنند. چه بسیار استعداد هایی که در نظام آموزشی ما از بین رفته و به خاطر فعالیت خشک و یک طرفه معلمان نابود شده است و در این شرایط، معلم بلاگری یک از نقاط امیدواری ماست تا آموزش فردگرا توسعه پیدا کند و استعدادهای ذاتی شکوفا شود.

بلاگرها چه می گویند؟

می داند.

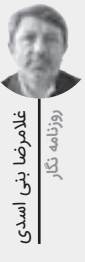
او نیز در این نشست اظهار کرد: از نخستین سالی که راهی مدرسه شده ام تا کنون، یک شعار مستمر را برای دانش آموزان و والدینشان مطرح می کنم و مکرر تلاش کرده ام پویش مجازی دانش آموزانم را ذیل شعار «آرزوها برنده می شوند»، گسترده تر کنم. همین رویکرد مجازی باعث شده است امروز بار محروم بودن به طور کامل از فضای مدرسه دور باشد و حضور دانش آموزان در کلاس، تجربه ای هیجان انگیز، مفرح و فعال را برایشان رقم بزند.

به گفته وی، معلم بلاگری پدیده ای است که تولد آن از مدارس برخوردار آغاز شد اما از همین ابزار می توان به شیوه ای بسیار مؤثرتر در مدارس محروم استفاده کرد.

باقری بیان کرد: اینکه به یک مدرسه بگویید «مدرسه منطقه محروم»، باعث می شود باور مخربی در ذهن دانش آموز شکل بگیرد که مثلاً مدرسه ما از هر جنبه محروم است اما فعالیت بلاگری من در این سال ها، ختم به جمع آوری کمک خیران و ایجاد کتابخانه در مدرسه شده است، دانش آموزان را به همراه خانواده هایشان، پای سفره های افطاری نشاند و پژوهش های استعدادیابی توسط کارشناسان را به سمتشان متمرکز کرده است.

افزایش جمعیت، نیازمند کاهشی شدن طلاق است

نیاز ملی و ضرورت انقلابی هم هست. آنان که خود را ملی و انقلابی می دانند باید اول نگهبان خانه خود باشند. نگهبانی و حراست از ایران و انقلاب گام بعدی است؛ گامی که تا اولی را محکم برنداریم، دومی را نمی توانیم برداریم. توجه داشته باشیم که انقلابی بودن و ملی اندیشی فقط یک تعریف سیاسی نیست که برخی ها به تعارف برگزار می کنند، بلکه متصف به این صفات بودن به معنای به موقع و بیجا و ناظر به نیازهای جامعه و راهبرد های ملی اقدام کردن است؛ فقط مخصوص



روزانه کار

گفتن از افزایش جمعیت بیشتر به شوخی می ماند تا تأکید بر یک راهبرد ملی؛ راهبردی که اگر به غفلت یا هر دلیل دیگر – خدای نکرده – به توفیق نینجامد، باید ایران فردا عصا بردارد. یک ملت پیر و خسته هرگز نمی تواند یک کشور را پویا و زنده و پرامید نگه دارد. ضرورت پویایی ایران، می طلبد تا نسل، نو شود. این هم نیازمند زاد و تولد جامعه است که باز خود نیازمند پویایی و سلامت زندگی هاست. از این منظر ازدواج و نگهداشت زندگی علاوه بر یک کنش شخصی، یک

افزایش جمعیت که در سیاست های بالادستی کشور بر آن تأکید می شود، یک ضرورت ملی است. تحقق این ضرورت نیازمند تشکیل زندگی مشترک دختران و پسران این سرزمین است. به دیگر عبارت، فقط عیسی روح... بود که از مادری تنها متولد شد، فقط عیسی بی آنکه در کل خلقت بدیل و تکراری داشته باشد. زادن آدم ها را پیش نیازی است به نام ازدواج. این باید اتفاق بیفتد و دوام داشته باشد تا به زادن فرزندان ی چند، در جوان سازی جامعه و فراوان شدن جمعیت، نقش ایفا کند. من اصرار دارم در «روز ملی جمعیت» به موضوع ضرورت مقاوم سازی زندگی ها توجه دهم. اصرار دارم بر فوق العادگی شرایط تأکید کنم. اصرار دارم بگویم وقتی در سال گذشته، به ازای ۷۹ هزار و ۲۶ ازدواج که در یک بازه زمانی مشخص ثبت شد، ۳۷ هزار و ۷۰۱ طلاق اتفاق افتاده است، سخن

یادداشت

زمانی خاص نیست که در هر زمان و زمین و متناسب عمل کردن، رفتاری انقلابی و ملی است. همان طور که به نگهداشت ایران مکلفیم، به داشتن نسلی توانمند که بشود ایران را به آنان سپرد هم نیاز داریم. پس به ضرورت نگهبانی از زندگی توجه کنیم. مسئولان هم توجه و برنامه ریزی کنند. برای نگهداشت زندگی هرچه می توانند مشوق بگذارند. این می تواند شیب طلاق را کم کند. طلاق که کم رنگ شود، زندگی بهاری خواهد شد. بهار هم ذاتی شکوفا دارد. اما اگر خزان به زندگی ها زد و طلاق به رفتار عادی مردم تبدیل شد، امید شکوفایی خام تر از هر خیالی خواهد بود که تحقق نخواهد یافت. همه تلاش کنیم طلاق کاهش پیدا کند. مسئولان برای نگهداشت زندگی مشوق بگذارند. شوق ادامه زندگی را رونق دهند، کشور هم رونق پیدا خواهد کرد.